

سلطنت هزارساله و قیامت اوّل

¹ و دیدم فرشته‌ای را که از آسمان نازل می‌شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است.² و اژدها، یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می‌باشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد.³ و او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته، مهر کرد تا اُمّت‌ها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می‌باید اندکی خلاصی یابد.

⁴ و تختها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خودنپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.⁵ و سایر مردگان زنده نشدند تا اوّل،⁶ خوشحال و مقدّس است کسی که از قیامت اوّل قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلّط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد.

شکست خوردن شیطان و روز قضاوت

⁷ و چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان

خود خلاصی خواهد یافت⁸ تا بیرون رود و اُمّت‌هایی را که در چهار زاویه جهانند، یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را بجهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست.⁹ و بر عرصه جهان برآمده، لشکرگاه مقدّسین و شهر محبوب را محاصره کردند. پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته، ایشان را بلعید.¹⁰ و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالآباد شبانه‌روز عذاب خواهند کشید.

¹¹ و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جایی یافت نشد.¹² و مردگان را خُرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و دفترها را گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد که دفتر حیات است و بر مردگان داوری شد، بحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها مکتوب است.¹³ و دریا مردگانی را که در آن بودند باز داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها بودند باز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت.¹⁴ و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موتِ ثانی، یعنی دریاچه آتش.¹⁵ و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید.